

نیست میباید برای جلسه آتیه (مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد) نایب رئیس مجلس شورای ملی سهام السلطان منشی علی اقبال الممالک منشی معظم السلطان

جلسه صد و چهل و سوم صورت مشروح مجلس صبح سه شنبه بیست و هفتم حوت ۱۳۰۳ مطابق بیست و یکم شعبان ۱۳۴۲

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای سهام السلطان نایب رئیس تشکیل گردید (صورت مجلس یوم یکشنبه بیست و پنجم حوت را آقای آقامیرزا جواد خان قرائت نمودند) **نایب رئیس** - نسبت بصورت جلسه مخالفی نیست؟ آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - نظر من هست که آقای رئیس جلسه قبل تشریف نداشته اند اسم ایشان را جزء غائبین بی اجازه نوشته اند نه جزء غائبین با اجازه خوب است تکلیف این مسئله معلوم شود **نایب رئیس** - همینقدر که در جلسه حضور نداشته اند معلوم میشود که تشریف نداشته اند لازم با سم بردن در جلسه نیست معمول هم نبوده است در صورت جلسه مخالفی نیست؟

بعضی از نمایندگان - خیر **نایب رئیس** - يك پیشنهادی از طرف جمعی از آقایان راجع بدستور رسیده است قرائت میشود **آقا سید یعقوب** - بنده قبل از اجازه خواسته بودم **نایب رئیس** - بفرمائید

آقا سید یعقوب - يك موضوعی هست که بنده توجه آقایان نمایندگان را به آن جلب میکنم و از مقام محترم ریاست هم تقاضا می کنم بوزارت مالیه تذکر بدهند.

حقیقتاً این مسئله خیلی باعث تعجب است که راجع به مالیه و مامورین مالیه هر چه در مجلس صحبت میشود که لااقل يك اندازه جریان قانونی را ملاحظه و رعایت کنند نمیشود

پریروز در روزنامهجات همه آقایان خواندند که در ملایر و نویسندگان و آن قسمت ها مامورین مالیه میروند سر مودیان مالیات پول بگیرند. ملت که سکه خانه ندارد پول هم که ندارد.

يك بولهای که بدست آنها آویزان است (انسان نمی تواند بگیرد بولهای گوشه بسته بالاتر در این نمی توانم عرض

کنم. آن بولهای گوشه بسته را میدهند بدست مالیه از آنها قبول نمیکند و توی سرشان میزنند فکر نکنید. مجلس را توجه میدهم به حال این بدبختها. آنها که جانی ندارند سکه بزنند!

از کجا بیآورند؟ بنده بچه زبان عرض رعایای بدبخت را در این مجلس بگویم آقایان نمایندگان ملت حافظین حقوق رعیت. بولهای گوشه بسته و شکسته را مامورین مالیه از رعایا قبول نمی کنند

آخریک توجهی بفرمائید وزیر مالیه یا نماینده مالیه بیاید اینجا جواب بدهد از کجا بیآورند؟ این رعایای بدبخت پول شکسته یا گوشه بسته که دارند چرا دولت نباید از آنها قبول کند؟

این پولی است که سکه دولت را دارد؟ بنده از مجلس بندای تضرع واستمنا تقاضا می کنم که بدولت بگویند چه علت دارد که این اندازه مامورین مالیه ب مردم و رعایا فشار می آورند که قلوب همه را مجروح کرده اند

نایب رئیس - آقای اجاق (اجازه)

آقا سید حسن اجاق - عرض میشود یکسال است مفتخرم که در مجلس همه را منتظره بودم که بودجه تفصیلی را که می آورند بنده يك توضیحانی بدهم و توضیحاتی هم بخوام متأسفانه سال با آخر رسیده نه بودجه آمد و يك دوازدهم حمل آتیه را هم پیشنهاد کرده اند

خواستم خاطر آقایان را متذکر و مستحضر کنم که در ولایات چه مالیاتهای گرفته میشود

مالیاتهای را که زمان استبداد می گرفتند حالا هم می گیرند حرفی نیست زیرا يك مالیاتهای بجای آنها وضع نکرده ایم که جای آن ها گذارده شود و آنها ملغی شود.

حالا هر چه از زمان استبداد بوده هر چه در زمان مشروطه میگیرند اینها سر جای خودش ولی امنای مالیه که در ولایات میروند برای حسن خدمت خودشان هر کدام مالیاتهای وضع می کنند

من تقصیرم از کسی نمی گیرم تقصیر را از امنای مالیه میگیرم که میروند و مالیات وضع می کنند

من جمله در سنغری کلیائی که یکی از مجال گرمناشاهان است از آن جاها يك مالیاتهای می گیرند که قبوضاتش اینجا هست.

من جمله از دمن کره چهارقران. از یکمن روغن دوهزار. از يك تنکه قالی دوهزار.

مرد که می رود شهر و چهار من قند میخورد وقتی میآید به اوقیض می دهند و از او پول می خواهند.

بنده این جا مراجعه کردم به وزارت مالیه که ببینم شاید اینها جزو تاكسها سابقشان باشد دیدم جزو تاكسهای سابق نیست در آنجاها به اسم اعطاسی يك مالیات- هائی می گیرند و برای محافظت بازار يك مخارجی هم وزارت مالیه باید بکند و هیچ نمیدهند و محافظت دکانهاشان هم با خودشان است.

وامنای مالیه می گویند باید تمام وجوه در مالیه ترکز پیدا کند و بیاید به مرکز.

در این زمستان خودشان شهبامحافظت دکانهایشان را می کردند و در دکانها کشیک می کشیدند با این حال از شان با سم اعطاسی مالیات می گرفتند.

این جا يك اسناد و قبوضاتی هست. مثلا مرد که يك تیکه قالی که بیآورد به شهر بفرود دوقران باید مالیات بدهد. بارهنگدوانه و خر بوزه را باید ده شاهي مالیات بدهد.

حتی از گردو و عویز و از شیره مالیات می گیرند.

يك چیز دیگری که مهم تر است بعضی آقایان میسازم و آن اخذ دلالی مکاری است که در زمان استبداد در اکثر ولایات در خود شهر دلالی مکاری را می گرفتند از هر باری که می خواستند از شهر خارج کنند دوقران و سه قران می گرفتند.

ولی حالا که کار دلالی بجائی رسیده که اگر يك تاجری از بغداد یکسره بار کند برای طهران دلالی مکاری را در بغداد که هیچ معمول نبوده می گیرند.

در کرمان شاه که هیچ رسم نبود می گیرند.

بعلاوه پارسال در قصر هم دلالی مکاری اضافه کرده اند.

این است که بنده تذکر می دهم سکه باید بدولت تذکر داده شود مالیاتی که می گیرند چطور باید بگیرند.

ما وکیل هستیم مردم هم از ما توقع دارند و هر روز هم با تلگراف می کنند که چه باید بکنیم.

هر امین مالیه هر مأمور مالیه هر جا می رود يك مالیات های جدیدی وضع می کند.

این است که خاطر آقایان را متذکر کرده

این هم اسنادی است که در دست بنده هست.

يك مقداری از آنها را هم بوزارت مالیه داده ام حالا هم بگذارد دهم برج حمل را آورده اند که فوراً تصویب کنید. اینها از اینهم عرض نمی کنم.

نایب رئیس - آقای آقا میرزا

جواد خان (اجازه)

آقامیرزا جواد خان - چون آقا سید یعقوب راجع ببولهای سوراخ گوشه بسته و شکسته تذکر می دادند من اطلاع خاطر ایشان عرض می کنم.

راجع به این موضوع از ولایات برگردید هم شکایاتی رسیده بود و در نتیجه تذکر که با آقای وزیر مالیه و رئیس مالیه دادند که این قبیل بولها را قبول کرده و منتشر رعا یا بشوند.

لذا محض اطلاع خاطر ایشان عرض کردم.

بعضی از نمایندگان - وار در

شویم. **نایب رئیس** - راجع بدستور پیشنهاد رسیده قرائت می شود.

(بشرح ذیل خوانده شد) امضاء کنندگان ذیل تقاضا می نماید طرح قانونی ماههای باستانی را در قسمت ماهها دستور امر و روز قرار دهند.

عالم ملک - يك مرتبه دیگر فرمود

شود. (بشرح فوق قرائت شد)

نایب رئیس - مخالفی ندارد. آقای سردار عشایر.

سردار عشایر - عرض می کنم

نباید تبدیل شود. برای اینکه ما نمی توانیم نوشت ماهها مان را عوض کنیم.

نایب رئیس - در این که این جزء دستور شود مذاکره می شود. مخالفی نیست؟

نایب رئیس - راجع به (اظهاری نشد)

نایب رئیس - راجع به (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده اول - مجلس شورای ملی تهران می نماید که از نوروز ۱۳۰۴ تاریخ روز سالانه مملکت بترتیب ذیل معمول گردد

دولت مکلف است که در تمام دوا کرد اجرا نماید:

- الف - مبداء تاریخ:
- سال هجرت حضرت خاتم النبیین محمد بن عبدالله صلوات الله علیه از
- معظمه بمدينه طيبه.

ب - آغاز سال - روز اول بهار.

ج - سال - كما كان شمسی حقیقی

د - اسامی و هده ایام ماهها.

۱ - فروردین ۲۱ روز

۲ - اردیبهشت ۲۱ روز

۳ - خرداد ۳۱ روز

۴ - تیر ۳۱ روز

۵ - مرداد ۳۱ روز

۶ - شهریور ۳۱ روز

۷ - مهر ۳۰ روز

۸ - آبان ۳۰ روز

۹- آذر ۳۰ روز
 ۱۰- دی ۳۰ روز
 ۱۱- بهمن ۳۰ روز
 ۱۲- اسفند ۳۰ روز
 تبصره - در غیر سنین کبیسه اسفند ۲۹
 یات در روز خواهد بود.
 ماده دوم - ترتیب سال شماری خطا
 بود که در تقویمهای سابق معمول بوده
 و مندرج در تاریخ تصویب این قانون منسوخ خواهد
 بود.
 رئیس - مذاکرات در کلیات
 آقای دامغانی.
 (اجازه)
 شرحیه مندرج در دامغانی - تاریخهای
 که در این مملکت سابقه داشته است یعنی
 تاریخ شمسی
 (البته معلوم است نظر پیشنهاد کنندگان
 قسمت ماههای قمری و ماههای دیانتی نیست و این
 نکته نظر حفظ شعائر دیانتی باید حفظ
 گردد) و البته تا قیامت هم محفوظ خواهد
 بود.
 فقط نظر پیشنهاد دهندگان به بروج
 است.
 تاریخهای شمسی که در این مملکت
 سابقه داشته است یکی تاریخ فرسی است.
 اسامی تاریخ فرسی همین است که در ماههای
 نوشته شده یعنی هر ماهشان یک اسمی داشت
 و هر روزشان هم یک اسمی.
 و هر وقت اسم روز با اسم ماه مطابق
 میشد آن روز را عید میکردند سیصد و شصت
 و پنج روز در ربع الذکری سالشان بود و آنها
 از آن کسر صرف نظر کرده و آن پنج روز
 را بکسری را یک ماه تمام حساب میکردند
 و آنوقت در هر صد و بیست سال یک مرتبه آن
 کسرها را یک ماه تمام حساب میکردند و
 آن سال سیزده ماه میشد.
 این یک تاریخی بود ولی نه ماهها و نه
 سالهایش شمسی حقیقی نبود زیرا از آن
 کسری صرف نظر میکردند.
 از اینکه گذشتیم یک تاریخ دیگری
 هست که در تقویم ما هست و آن تاریخ جلالی
 است که مال جلال الدین شاه سلجوقی
 است.
 در آن تاریخ ماهها را سی روز گرفته
 اند و پنجر و زهم خسته مترقه دارد.
 در واقع از کبیسه صرف نظر نکرده
 اند و پنجر و زهم خسته گرفته اند و آن کسری
 که پنج ساعت و چهل و نه دقیقه و یازده
 ثانیه و چهل و هشت رابعه است بقول قدما
 شمس مدار خودش را در مدت سیصد و شصت
 و پنجر و زهم پنج ساعت و چهل و نه دقیقه و یازده
 ثانیه و چهل و هشت رابعه طی می کرده
 است و بقول حالانی حازمین مدار بیضی خودش
 را طی میکند.
 در حقیقت در تاریخ جلالی پنج روز
 خسته مترقه گرفته اند و آن ربع الذکری

را در هر چهار سال یا پنج سال یک مرتبه
 حساب میکردند یعنی یک شبانه روز بیک ماه
 اضافه می نمودند.
 والبتہ تصدیق میفرمائید با این ترتیب
 یک مدتش شمسی حقیقی نمیشود زیرا تمام
 ماهها را سی روز گرفته اند.
 در صورتیکه سیر و توقف شمس با
 حرکت زمین در یک قسمت از منطقه البروج
 سی روز نیست کم و زیاد دارد اینهم فرضی
 است ولی در هر چهار سال یا پنج سال یک مرتبه
 مبداءش با حمل مساوی میشود.
 تاریخ سومی که عین حقیقت است
 همین بروج امروز است که حمل راسی و یک
 روز و جوزا را سی و دو روز مطابق همین
 بروجی که داریم میگیرند و این عین حرکت
 حقیقی شمسی است برای اینکه وقتی که
 بقول قدما شمس را در وسط فرض کردیم و
 منطقه البروج را به دوازده قسمت متساوی
 تقسیم کردیم هر قسمتش که مساوی شده بود
 و مجازی بود با آن ثوابتی که از دور بشکل
 حمل یا نور دیده میشد همان اسم را رویش
 گذاشته اند.
 حالا با اصطلاح امروزها کار ندارم
 چون با اصطلاح قدما آشنا ترم همانطور حرف
 می زنم.
 در هر صورت وقتی که آن قسمت مساوی
 میشد با آن ثوابت که دور نمایش شکل نور
 یا جوزا را داشت اسم آن قسمت را توریا
 جوزا می نامیدند یعنی مدار بیضی زمین و
 دائره را که زمین طی میکند و فصول اربعه
 را تشکیل میدهد
 آن دائره منطقه البروج را به دوازده قسمت
 متساوی تقسیم نموده اند و هر
 قسمتی که معاذی با صورت آن شمس بقول
 امروزها یا ثوابت بقول قدیمی ها با اسم
 همان دور نامها اسمی گذاشته اند.
 پس اولاً وضع اسامی این بروج بی
 فلسفه نیست یعنی ثابت میکنند که آن قسمت
 و قطعه که از مدار بیضی زمین بریده شده و
 اسم آنرا حمل گذاشته اند معاذی شده است
 با آن قسمت ستاره هائی که بشکل برآمدور
 دیده میشود
 پس اصل وضع این اسم خودش یک
 فلسفه علمی داشته و مطابق این فلسفه هم
 ماهها شمسی حقیقی گرفته شده و سالها هم
 همینطور.
 برای اینکه زمین در وسط مدار بیضی
 واقع نیست اگر در وسط منطقه بیضی واقع
 بود البته دوازده برج متساوی را در مدت
 متساوی قطع میکرد.
 ولی چون در حقیقت در هر گز واقفیش
 واقع نیست باین جهت است که مدت سیرش
 در این قوسهای دوازده گانه مختلف است
 و بقول قدما متشابه در هر گز نیست.
 پس وقتی که ما سالها را شمسی حقیقی
 میگیریم بهتر اینست که ماهها را هم شمسی
 حقیقی بگیریم.

از شر کبیسه هم راحت می شویم زیرا
 زمین آن قسمت از برج حمل را که سیر
 میکند مدتش سی و یک روز است و همینطور
 نور که سی و یک روز است و جوزا که سی و
 دو روز است.
 بهر حال در ماههای برجی زمین قسمت
 های متساوی منطقه اش را در مدت غیر
 متساوی طی میکند برای اینکه در هر گز
 مدار واقع است و متشابه است نسبت
 بدایره.
 مطابق تاریخ برجی که حساب کنیم
 ماهها هم مثل سالهای حقیقی میشوند و
 کبیسه هم ندارد و این اسامی که انتخاب
 شده با مناسبت بوده و بر روی اساس نبوده
 است و متضمن یک مسائل علمی بوده است
 والبتہ تصدیق میفرمائید که بقول متجددین
 قرن بیستم است و قرن علم و عمل است.
 باید از روی علم کار کرد نه از روی فرضی و
 حدیثات.
 این لایحه که تنظیم شده از روی
 پس چه داعی دارد که ما از روی فرض
 کار کنیم! این ترتیبی که فعلا هست هیچ ضرر
 ندارد.
 زیرا سیر حقیقی شمسی را در ماهها
 معین می کند و سالش هم سال حقیقی است
 و کبیسه هم ندارد و اگر هم داشته باشد هر
 سال خورد میشود.
 بچنانچه حمل یا سال در شب واقف شده
 و امسال در پنج ساعت و چند ثانیه و چند دقیقه
 عقب تر است. در این صورت هیچ دلیلی
 ندارد که از حقایق و عملیات ماصرف نظر
 کنیم و بفرض بپردازیم اگر مقصود از این
 لایحه این است که تاریخ جلالی را بر دارید
 تاریخ مجلس بگذارید این اینقدر مهم
 نیست.
 با اصطلاح منجمین نباید کار داشته باشیم
 هر منجم هر کاری دلش میخواهد بکند.
 بعلاوه این یک اسباب زحمتی برای مردم
 و مملکت خواهد بود زیرا همه مردم حساب
 برجی را میدانند و سال و ماه را بترتیبی که
 فعلا معین و مقرر است میدانند و باین ترتیب
 جدید آشنا نیستند و طبعاً برای مردم اسباب
 زحمت خواهد بود گذشته از این وضع این
 قبیل لغات و تعیین اسامی ماه و سال بیشتر
 بوظیفه آکادمی شبیه تر است تا به کار
 مجلس در این صورت علت ندارد که ما حالا
 بیائیم وقت مجلس را تلف کنیم و با این
 کارهای زیادی که داریم یک چیزی را
 مرسوم کنیم که نمیدانیم از روی چه فرضی
 و فلسفه ایست در صورتیکه کبیسه هم دارد
 با تمام آمال بینی بالا خرد نتوانسته اید از شر
 کبیسه هم خلاص بشوید.
 پس بعقیده بنده همان تاریخ برجی
 که معمول بوده چون ناشی از مطالب علمی
 و امر حقیقی است و کبیسه هم ندارد و مردم
 هم بآن آشنا هستند از ترتیبی که در این

طرح قانونی معین شده بهتر است.
 ضیاءالواعظین مخبر کبیسه و بیست و هفت
 از فرمایشات حضرت آقای شریعتدار
 علمی بود و بنده تصور میکنم در آن قسمت
 لازم نیست عریضی عرض کنم ولی همینقدر
 بنده فرمایشات ایشان را خلاصه کرده و
 جواب عرض میکنم.
 فرمودند همینطور که ما سالها را
 شمسی حقیقی میگیریم خوبست ماهها را هم
 شمسی حقیقی بگیریم. و این بهتر است از
 اینکه کبیسه اول و کبیسه دوم و سوم و خسته
 مترقه را بحساب آوریم. این یک قسمت.
 قسمت دیگر هم راجع بتغییر الفاظ بود.
 اما اینکه فرمودند همینطور که سال
 را شمسی حقیقی میگیریم خوب است ماهها
 را هم شمسی حقیقی بگیریم.
 لازمست عرض شود که ماهها را
 شمسی حقیقی گرفتن خیلی خوبست ولی برای
 منجمین و اهلهش که در تقویم بنویسند برج
 حمل مثلاً سی و یکروز پنج دقیقه و شش ثانیه
 است. و باید عرض شود که برج حمل یا
 توریا سایر بروج هیچ یک سی و یکروز یا سی
 و دو روز یا بیست و نه روز درست نیستند و اگر
 حرکت زمین بدور آفتاب در تقسیم بردوازده
 منظم بود هیچ اشکالی نداشته و همانطور
 که فرمودند حمل را همه می دانستند سی و
 یکروز است و در این صورت هیچ موجبی
 نداشت که بنشینند و کبیسه تهیه کنند کبیسه
 چهار ساله و پنج ساله و سی ساله و صد ساله یا صد
 و بیست ساله بگیرند
 و اصلاً لازم نبود که همچو کاری بکنند
 ولی تا بحال نتوانستند مثل تعداد اوزان
 و مقادیر یک ترتیب صحیحی برای اینکار
 بدست آورند که در حدود اختیار آنها باشند
 که بیابند و مساحت دور زمین را معین کنند
 و اسم یک چندم آن را متر بگذارند
 و آنوقت این قطر یک اصل مسلمی
 باشد برای تمام عالم که آن را قبول کنند
 لیکن حرکت زمین بدور آفتاب از
 تعرف بشر دور است و بشر نمی تواند حرکت
 او را تقسیم بر اعشار کند
 یا سالها را بردوازده ماه منظم تقسیم
 کند بطوری که هیچ کس نداشتند باشد
 از اینجهت آمدند و نشستند خسته
 مترقه و کبیسه اول و کبیسه دوم معین کردند
 و تقویم گرگوریان و سایر تقاویمی هم که
 در اروپا مرتب شده و اصولی هم که در همان
 جاها اتخاذ شده است باز محتاج بوده اند باینکه
 کبیسه های منظمی را نگاه دارند
 و این ترتیبی را که آقا عقیده دارند
 برای اهل علم و اهل فن بسیار خوب است که
 ماهها را شمسی حقیقی بگیرند و زارع و کاسب
 و تاجر هیچوقت نمی توانند ماههای
 شمسی حقیقی را بدست آورند و حفظ کنند
 ماههای شمسی حقیقی را بدست آورند و حفظ
 کنند ماههای شمسی حقیقی برای اهل علم
 خوبست

ولی زارع برای زراعت و تاجر برای تجارت و صراف برای عمل صرافانی خودش نمی تواند از این رو حساب کند و دقیقه شماری نمی تواند بکند و محتاج است که از روی یک اصول اساسی رفتار کند

سال شمسی حقیقی برای چیست ؟ برای این است که ما از شر کبیسه نجات پیدا کنیم .

از این جهت ماهها را ماطوری ترتیب داده ایم که خسه مترقه در بین خود ماهها مستهملک می شود که سیون هم در وضع این قانون جلب نظر متخصصین و منجمین و دانشمندان را کرده بهترین ترتیب وطریقی که بنظر رسیده همین بوده است که خسه مترقه در ماهها مستهملک بکنند

چنانچه ملاحظه میفرمائید فروردین وارد بهشت و سایر ماهها سی و یک روز است و خسه مترقه در بین ماهها مستهملک شده دیگر کبیسه ندارد

اما در قسمت تغییر الفاظ شرعی فرمودند بعقیده بنده ملت ایران که یک ملت مسلمانی است و تار و زقیامت باید این دین مقدس آسمانی را برای خودش حفظ کند .

این ملت وقتی میتواند دیانت مقدسه خودش را حفظ کند که بتواند آثار ملت خودش را هم حفظ کرده باشد و از ان تقویت بکند .

یک ملت وقتی خودش را احیا کرده و کاملاً نگاهداری نماید و اگر ما حالا این تغییر الفاظ ملی خودمان را از قبیل اردیبهشت و فروردین و غیره بگذاریم خیلی بهتر است زیرا موفق شدیم آثار ملی خودمان را احیا کرده و حفظ نماییم .

ملتی که آثار ملی خودش را نگاه دارد و بعظ دین خودش هم نائل خواهد شد .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - بعقیده بنده مذاکرات کافی نیست

نایب رئیس - بفرمائید

شیخ الرئیس - باید معلوم شود اشخاصی که این لایحه را پیشنهاد کرده اند شاید یک ادله علمی و اساسی داشته باشند که باید گفته شود و آقای مجتهد باندازه امضاء کنندگان این قانون دفاع نکرده اند از این جهت لازم است دلائل گفته شود

اینکه آقای مجتهد فرمودند کسی نمی تواند کسور اعشاری را حساب کند این حرفها خوب نیست در مجلس اظهار شود .

همه میتوانند کسور اعشاری را حساب کنند ولی مطلب فقیر این است و اظهارات آقایان مخالفین باید جواب داده شود

نایب رئیس - رأی می گیریم بکفایت مذاکرات

آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند

قیام فرمایند
(عده قلیلی قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب نشد .
آقای کازرونی .
(اجازه)

کازرونی - بنده بکنفر از امضاء کنندگان این لایحه بودم لیکن زمانی که امضاء کردم خیال میکردم در خصوص تغییر اسامی سالهای ترکی است از این جهت او را امضاء کردم
(خنده نمایندگان)

کازرونی - حقیقه را باید گفت لیکن فرمایشات آقای ضیاءالواعظین بندر اواراد کرد که مخالفت کرده و عرایض خود را عرض کنم .

ایشان همچو فرمودند و جلوه دادند که ملیت نامنوط باین است که این ماهها را نگاه داریم و مثلاً اردیبهشت بگوئیم یا چنم بگوئیم

آیا حفظ ملیت ما مربوط باین مسئله است ؟

این حرفها چه چیز است ؟

آخر حریف است این حرفها در مجلس زده شود

ما میخواهیم اسامی یکجری که عربی است برداریم و یک اسامی که فرس قدیم است بجای آنها بگذاریم

چیزی که بر حسب ظاهر معلوم است همین است

در ضمن بکنفریات دیگری هم در بعضی از ماهها داده شده است باینطور که بعضی از ماهها سی روز بوده و حالسی و یکروز کرده اند و بعضی ها که سی و یک روز بوده حالا سی روز شده است .

حضرت آقای شریعتمدار که در حقیقت استاد علم و اطلاعات هستند بیانات کافی فرموده و توضیحات لازمه دادند و بنده بعد از فرمایشات ایشان نمیتوانم چیزی عرض کنم .

بنده که بکنفر تاجر لازم نیست در کلیه علوم اطلاعات داشته باشم و بنده هم مثل سایر آقایان در علم نجوم کاملاً بی اطلاع .

بعضی از نمایندگان - (باهمه)

اینطور نیست

کازرونی . بیخشد . همه در علم نجوم متخصص هستیم اشتباه کردم

مطرح شدن این لایحه

اسباب یک تغییراتی است در دفاتر و خطوط مردم و در موقع تطبیق مردم را دچار اشکال خواهد کرد . و بنده نمیدانم در طرح این لایحه چه مصلحتی منظور شده و چه موجباتی ایجاد کرده است که ما باینکار بپردازیم .

آیایک مسئله اقتصادی است که همه مردم بآن متوجه هستند و صدای همه بلند شده

چنانچه حضرت آقای شریعتمدار فرمودند برج حمل را که حمل اسم گذارده اند بیک مناسباتی بوده برای این بوده است که بعضی از سارات بعضی از نمایندگان - ثوابت کازرونی - بله دورنمای یک ثوابتی مثل حمل بوده و هیئت ترکیبش اینطور بوده و باین مناسبت اسم این ماه را حمل گذاشته اند .

حالا میخواهیم این ترتیب را بر هم بزنیم و نمیدانم از روی چه فلسفه دلیل باید اینطور جدیداً بدلیبریم .

یک مردمان بزرگی که در نجوم تخصص داشته اند آمده این ترتیب را معین کرده اند حالا آقایان آمده و تغییر داده اند و سی روز راسی و یک روز یا کمتر یا بیشتر معین کرده اند .

بنده عرض میکنم تغییر این امر اگر فقط از روی میل بود خوب بود روز بزردهم را اصلاً بیندازند تا آنروزی که در نظر بعضی ها نحس می آید اصلاً از بین برود . یا همه ماهها را خوب بود سی یا سی و یک روز معین کنند تا در موع شمارش و تقسیم بهتر باشد .

در هر حال بنده هیچ وجهی برای این تغییر نمی بینم و خیال میکنم مبادرت باین امر هم اصلاً از وظیفه مجلس خارج باشد که باین همه گرفتاری که داریم حالا بیاییم و از نجوم صحبت کنیم و الفاظ عربی را که تا کنون معمول بوده از بین برداریم و بجایش الفاظ فرس قدیم بگذاریم و حال آنکه الفاظ عربی بک زبان بین المللی برای قاطبه مسلمین است . باین فقر و احتیاج لغتی که ما داریم این کار برای ما زیاد است .

نایب رئیس - شاهزاده محمد هاشم میرزا .

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - آقای شریعتمدار وارد شدند در قسمت تاریخی و یک فرمایشاتی فرمودند و اگر بخواهیم وارد شویم در قسمت تاریخی و کلیه تواریخ و ملل از این مباحث صحبت کنیم اسباب تضییع وقت مجلس خواهد بود و چندین جلسه وقت مجلس تلف خواهد شد مقدمتر کش این است که همه گرفتار این مطلبی که آقایان میفرمایند شده اند و خواسته اند یک راه حلی برای آن پیدا کنند حال بسال رومی یا سال ایرانی کاری نداریم زیرا این مبحث مفصل است و حالا وارد در بحث این قضایا نمی شوم ولی بطور اجمال لازم است عرض کنم که تمام ملل از قدیم الایام یک مقدار هائی برای زمان لازم داشته اند برای اینکه بتوانند به هم دیگر بفهمانند که حالا مثلا چه وقت است و شش ماه دیگر چه وقت است یک قسمت از ماهها هم ماههای طبیعی و هادی بوده است مثل ماههای قمری که اول

ماه در آسمان ماهرامی دیدند و هیچ محتاج بتقویم هم نبود همینطور نهار آخر ماهها هم از روی ماه پیدا میکردند و بعد که تمدن بیشتر شده است دوچار یک اشکالاتی شده اند و مردم دور هم جمع شد و یکسالهای دیگر را فکر کرده اند و این آسمانی کرد در هر اردو دست سال قبل یا جلوتر بر آورده با آن صورتهای حالا نیست یعنی الان صورت حمل را که نگاه کنید با دورنمای حمل را ببینید تغییر کرده ...

شریعتمدار دامغانی عرض کرد من فلسفه اش این بوده است . . .

شیخ الرئیس - بلی حالا لازم نیست آن فلسفه دوازده سال قبل را با اینک مثلا در باب یک چیزی معمول بود آنرا بیاییم امتداد بدهیم .

اگر بازم آن ثوابت در جای خودش بود یک چیزی بود ولی امروز آنطور نیست زیرا خیلی از ستارهها بواسطه طول زمان از جای اولیه اش تغییر کرده و این چیزی نیست که متجددین گفته باشند

این يك مطلبی است که مدتها است سابقه دارد .

اما در قسمت سال شمسی قمری در خود این مجلس در بیان شده شانزده سال قبل همین مسئله سال شمسی مطرح شد و قبل از او فقط در تقویم بود و حمل و نور و جوزا را هم ابتدا مردم نمیدانستند و اغلب معانی آنرا هم نه شهرها میدانستند و نه دهاتی ها و مثلاً اگر بیک نفر میگفتی تودر برج ثور متولد شده ای بدش نمی آمد ولی وقتی میگفتی در برج گاو بدنی آمده ای بدش می آمد . زیرا با تمام معنی یاد نگرفته بود و اگر معنای حقیقی ثور و جوزا با سرطان و خرچنگ را یاد گرفته بود وقتی که میگفتی تودر برج فلان متولد شده ای نباید بدش بیاید .

اما اینکه فرمودند اسم این ماهها را کسی نمیدانند این طور نیست همه میدانند دی اردیبهشت . اریق اسمی راهه میدانند ولی حمل و ثور و جوزا را اکثر جاها نمیدانند . . .

قائم مقام - همه جا میدانند اینطور نیست که میفرمائید

شیخ الرئیس - آذربایجان را بنده مسبو نیستم .

عرض کردم در اکثر جاها نمیدانند اسم هم مردم در خراسان و کرمان و یزد و گلایش هم اینجا تشریف دارند .

جمعی از نمایندگان - صحیح است .

شیخ الرئیس - آذربایجان چون نرفته ام نمیدانم .

علی ای حال هیچ موضوع و منظور این نیست که عربی را فارسی کنیم . اما این که میفرمایند در تعیین ماهها حقیقی گرفتار باینکالاتی میشویم و نمیتوانیم معین کنیم

بنده عرض میکنم مگر حالا تصور میفرمائید که این حمل و ثور و جوزا که گفته میشود که میدانند چند روز است ؟ خیر تا بتقویم نگاه نکنند نمیدانند .

در ادارات دولتی هم هر کدام يك تقویم به لوی دستشان دارند و از آن رو میبویستند خود ما هم الان که میگوئیم بیستم شعبان است باید فکر کنیم تا به همین چندم حوت است و گاهی یا بروزنامه نگاه میکنیم یا بتلگرافات .

مثلاً ارسال و پیر ارسال که تقویم ها غلط شده بود ملاحظه فرمودید چقدر اسباب اشکال شد و این موضوع چندان فرقی ندارد برای اینکه آمده اند سال شمسی را بدو زده قسمت تقسیم کرده اند که همه در خاطرشان باشد و دیگر يك ماه سی و یک روز و یکماه سی و دو روز و يك ماه بیست و شش روز باشد ب علاوه سال شمسی را در همین مجلس معین کردیم

حالا میخواهید ماهها را درست کنیم و هیچ منافاتی هم با اصول مذهبی و دینانی ندارد و البته شهو قمری يك شهو رعادی است ابتدا تبدیل و تغییر هم نباید پیدا کند ولی چون در این مبحث پیشنهاد کننده محترم آقای تقی زاده بوده اند

بنده عرض میکنم اگر آقایان مایل باشند وقت را بایشان بدهند تا جواب همه مخالفین را بدهند و این يك چیز خوبی است و ضرر هم بجائی نمیزند و همه بلمه هستند و آنچه ای هم که نمیدانند البته یاد میگیرند و چیزی را که در مجلس سالی را معین کرده ایم حالا ماهش را میخواهیم درست کنیم و هیچ منافاتی هم با اشکال آسمانی و زمینیه و تاریخی ندارد .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

نایب رئیس - آقای تدین مخالفند ؟

تدین - بلی بنده مخالفم .

نایب رئیس - بفرمائید .

تدین - بنده تصور میکنم درست مطلب توضیح نشده است .

بنده اساساً و اصولاً کاملاً موافق هستم با این طرح و ایرت و مخالفم فقط باینکه قسمت از ماده اول است (غیر از آن قسمتهائی که آقایان مخالفین اظهار کردند) بنابراین قبل از اینکه مخالفت خودم را نسبت بیک کلمه از ماده اول عرض کنم چون با ما بقی قسمتها موافقم لذا باید جواب آقایان مخالفین را بدهم . . .

یکنفر از نمایندگان - پس موافقند ؟

تدین - فرقی نمیکند اول آنها را می گوئیم بعد آن قسمت را و حالا از آخر میگیرم راجع به بیانات آقای کازرونی ؛ اولاً فرمودند در اینجا هیچکس نجوم نمیدانند و بعد خودشان وارد شدند در مبحث سیارات و ثوابت و اطلاعات خودشان و بالاخره هم اشتباه کردند چون بقول آن

حکیم که گفت (ولیس فی مذهبنا قیاس) ما معتقد بقیاس نیستیم . ایشان قیاس کردند که بنده تجارت نمیدانم البته نباید مقایسه بکنند که چون ایشان تجارت نمیدانند هیچکس در دنیا تجارت نمیداند . پس بهتر این بود که ایشان هیچ داخل در مطلب ثوابت و سیارات نمیشوند . قسمت دیگر گفتند چه داعی دارد که این الفاظ عربی را ما تبدیل کنیم بفارسی ؟

اینجا داعی خیلی چیزها است . اولاً نباید از عرب هم عرب تر باشیم . شما گفتید در تمام ممالک اسلامی اسامی بروج معمول است . بنده عرض میکنم اینطور نیست . . .

کازرونی - اینطور نگفتم بفرمایدید .

تدین - خوب بفرمایدید .

بنده عرض میکنم از عرب نباید هر بتر باشیم .

شما اگر يك مملکت عربی را از مصر و شامات و بین النهرین و هم چنین سایر قسمتها که در قاطب دیگر هستند و بلفتر عربی متکلمند خواه مستقل .

خواه غیر مستقل که مسلمان هستند پیدا کردید که حمل و ثور و جوزا را استعمال بکنند غیر از ایران من بشما حق میدهم تاریخ رسمی تمام آن ممالکی که عرب نشین است و مسلمان و مستقل و غیر مستقل هستند مخصوصاً بین النهرین تمام تاریخ رومی است ، (دو تشرین و دو کانون و پس آنکه . شبات و آذرتوسان ایراست . حزیران و توموز آب و ایلول . نگهدارش که از من یاد کار است) این را خواندم برای اینکه بدانند ما هم اطلاع داریم . . .

مدرس - تماش محرم و صفر و ربیع الاول است .

تدین - اجازه بفرمائید .

ما اینجا صحبت محرم و صفر و ربیع الاول و ربیع الثانی نمیکند ما اینجا از نقطه نظر تاریخ رسمی در ممالک اسلامی صحبت میکنیم یعنی تاریخ رسمی که مبتنی است بر اصول اقتصادی و معاملات و بالاخره مربوط با اصول مذهبی نیست تمام مسلمین محرم و صفر را قبول دارند چون در يك قسمت از ماهها ناچار هستند يك قسمت از امور عبادیه و عادات مذهبی شان را بجا بیاورند . ما هم که نگفتم از میان بردارند ما در تاریخ شمسی آنجا صحبت میکنم قسمت دیگر این است که آقای شریعتمدار دامغانی بعد از تطبیق هیئت قدیم با هیئت جدید یعنی منجمین قملی با منجمین سابق اینطور فرمودند که اگر ما حمل و ثور و جوزا بگوئیم کبیسه ندارد .

بنده عرض میکنم اینطور نیست وقتی ما قائل بسال شمسی شدیم خواه با اصطلاح ما حمل و ثور و جوزا باشد خواه با اصطلاح يك قسمت از اروپائیها و فرانسویها ژانویه و فوریه و غیر ذلک باشد قطعاً سیصد و شصت

روز مسلم نیست و سیصد و شصت و پنج روز و است و کبیسه دارد .

شریعتمدار دامغانی - بنده اینطور نگفتم .

تدین - چرا فرمودید . شما خودتان معانی بیان خوانده اید و میدانید متکلم وقتی که حرف میزنند سامع باید گوش بدهد و وقتی ناطق صحبتش تمام شد آنوقت سامع حرفهایش را بزند .

وقتی باز يك یاد کاری دیگر هم داریم (لاولاب لا اولالاشش مه است - ال کط و کطال شهر کونه است) که تفسیر کرده اند بروج از بسی و دوروزی و یکروز . سی روز بیست و نه روز و وقتی حساب بکنید سیصد و شصت و پنج روز میشود

در صورتیکه سال سیصد و شصت و پنج روز و پنج ساعت و چند دقیقه و چند ثانیه است و بالاخره هستند سه سانس

را سیصد و شصت و پنج روز بگیرند و سال چهارم را سیصد و شصت و شش روز بگیرند بجهت اینکه این چهار کسر را وقتی با هم جمع کنید تقریباً کروز میشود .

بنابراین هر کاری شما بخواهید بکنید که از دست کبیسه فرار کنید نخواهد شد . و حالا بنده می خواهم دا فل شوم در يك قسمت های دیگر .

این تاریخ جلالی را مردمان دانشمند و فاضل و حکیم و مطلع و متخصص در نجوم جمع شدند در زمان سلطان جلال الدین شاه سلجوقی با مطالعات کاملی آمدند این تاریخ را وضع کردند .

این تاریخ و قرارداد هیچ عیب و نقصی ندارد جز اینکه فقط مبدأ تاریخ را زمان سلطنت جلال الدین ملک شاه سلجوقی قراردادند .

و علت اینکه کاملاً در ایران پیشرفت نکرد بواسطه این بود که او میخواست مبدأ تاریخ را که از هجرت قراردادده بودند از بین ببرد و زمان سلطنت خودش را مبدأ قرار بدهد .

و باین جهت است که معروف شد به تاریخ جلالی زیرا مبدأش سلطنت سلطان جلال الدین شاه است و الا علماء و اشخاص متبحر بودند و آمدند اینطور قراردادند و این نتیجه تفکر همان علماء است .

دیگر اینکه باید حتی الامکان اجتناب کرد از يك مذاکراتی که وارد در مباحث علمی باشد .

زیرا اینجا مسائل علمی را نمی توان کاملاً طرف بهت قرارداد و باید بطور اجمال صحبت کرد .

پس وقتی که یکمده تخصص دانشمندان تصدیق کردند که این مسئله خوبست باید علی الاصول صحبت کرد و اگر بنده بخواهم الان وارد شوم در تطبیق مدار بیضی زمین با این بروج علاوه بر اینکه از موضوع

خارج است و ذهن هارا کدر میکند فایده هم ندارد .

بنابراین اگر ما بیاییم بگوئیم حمل و ثور و جوزا الی آخر اینها يك الفاظی است که تولید منافی برای ما نمیکند .

در صورتی که ما الفاظ فارسی داریم و حالا از نقطه نظر ملیت نمی خواهیم يك لفظ جدیدی وضع کنیم تا اینکه تولید اشکالاتی بکنند .

يك الفاظی داریم که از قدیم الایام استعمال شده است و همه هم می دانند و اینکه آقای قائم مقام فرمودند در تریز مصطلح نیست البته شاید ایشان اطلاعاتشان در قسمت ناحیه خودشان است و الا در قسمت های مهم خراسان که بنده اطلاع دارم اصلاً حمل و ثور و جوزا را نمی فهمند چیست .

بنابراین از نقطه نظر حفظ قومیت و ملیت و آثار تاریخی يك الفاظ قشنگ خوبی است و بهتر از معنای خرچنگ و دوپیکر و خوشه و غیر ذلک است و هیچ صدمه ای هم به هیچ جا نمی خورد .

و بهتر این است که ما این الفاظ را قبول کنیم یعنی رسمیش کنیم و در عوض این که در این تاریخ جلالی مجبور شده اند که يك پنج روزی هم پیدا کنند باسم خسه مترقه یا پنج زده زده که تا نیمی در ماهها برای روز شماری ندارد و آن پنج روز را تقسیم می کنیم بسیار ماههای دیگر و هیچ سکنه نه بجز کت خورشید میزند نه بجز کت زمین .

(اهم از اینکه بگوئیم زمین دور خورشید میگردد یا بعکس)

و اگر امروز ما این اسامی را از بین ببریم یعنی حمل و ثور و جوزا را برداریم . لفظ دیگری بجایش بگذاریم ماهها بهم می خورد و نه سال بهم می خورد . سال و ماه هم سر جای خودش هست و بالاخره نقطه اعتدال ربیعی که اول بهار خواهد شد بگوئید فروردین و خواه بگوئید حمل آن برج در سر جای خودش در آن حال هست و مربوط باین قضیه نیست و بالاخره عقیده بنده این است که این اشکالات وارد نیست و خدشهای بجائی وارد نیآورد .

البته اگر بخواهیم مباحثات علمی بکنیم بیرون بهتر است .

اما مخالفت بنده از این جهت است چون بعضی از آقایان تصور می کنند که شاید در آتیه خدای نخواستہ اسامی ماه های عربی محرم و صفر و غیر ذلک از بین برود .

بنابراین بنده چون این ماده اول را کافی برای این مقصود نمی دانم .

بعقیده بنده باید يك کلمه در ماده اول در سطر دوم علاوه شود وقتی که آن يك

کلمه علاوه شد آنوقت ماههای قمری هم کاملاً تأمین می شود و سر جای خودش هست و فقط این تاریخ رسمی دولتی است . آن يك كلمه هم لفظ شمسى است كه در اینجا كسر دارد و باید نوشته شود از نوروز هزار و سیصد و چهار تاریخ شمسی رسمی سالیانه .

و این کلمه قطعاً باید باشد زیرا اگر نباشد ممکن است در آتیه سوء تعبیر نسبت به این قانون بشود .

شریعتمدار دامغانی - بنده توضیح نظامنامه دارم .

در ریاض بنده سوء تعبیر شده است **نایب رئیس** - اگر توضیح نظامنامه دارید بفرمائید .

شریعتمدار - آقا تصور فرمودند که بنده يك طرفداری داشتم از تاریخ جلالی و خمسه مترقه که می فرمایند اگر خمسه مترقه را برداریم طوری نخواهد شد . این اشتباه است .

بنده از خمسه مترقه طرفداری نکردم زیرا خمسه مترقه اصلاً مربوط به تاریخ برجی نیست .

خمسه مترقه مربوط به ماههای جلالی است که هر ماهی را سی روز می گیرند آن وقت سال می شود سیصد و شصت روز آن وقت آن پنج روز از خمسه مترقه می گرفتند و پنج ساعت و کسری را هر چهار سال يك مرتبه جمع می کنند و آن سال سیصد و شصت و شش روز می شود .

و علاوه تاریخ جلالی در این مملکت معمول نیست مگر در تقویم که در تقویمها معمول است و می نویسند مطابق تاریخ جلالی یا رومی یا فارسی و هیچ در تاریخ برجی خمسه مترقه نیست و يك کیسه هم داریم .

نایب رئیس - از موضوع خارج شدید توضیح بدهید .

شریعتمدار دامغانی - بنده هم توضیح می دهم .

چون سوء تفاهم شده است بخواهم رفع این سوء تفاهم را بکنم . همین طور در کیسه هم سوء تفاهم شده است که تصور کرده اند باینکه کیسه در این تاریخ نخواهد بود در صورتی که مطابق این لایحه ای که تنظیم شده کیسه پنج ساعت و ربع الا کسری مجبوراً در اینجا کیسه می شود .

برای اینکه اینجا کیسه خمسه مترقه را در ماهها مستهمل کردند و سال سیصد و شصت و پنج روز شده ولی آن پنج ساعت و خورده را کیسه پیدا میکند .

ولی در تاریخ برجی همانطوری که عرض کردم کیسه نیست . مثلاً اگر یک سال اول حمل صبح بود امسال پنج ساعت و چهل و نه دقیقه و یازده ثانیه و چهل و هشت رابعه بعد از آن موقع اول حمل است .

این بود نظریه بنده .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

مدیر الملک - بنده مخالفم **نایب رئیس** - با کفایت مذاکرات مخالفید ؟

مدیر الملک - بلی **نایب رئیس** - بفرمائید .

مدیر الملک - نظر باینکه به عقیده بنده هر لایحه ای که بمجلس شورای ملی می آید باید لزوم و عدم لزوم آن معین شود تا بتوان در آن رأی داد و از این صحبت ها حسن این لایحه یا عدم لزوم آن هنوز برای بنده مشخص نشده است که به این لایحه رأی بدهم یا ندهم از این جهت مخالفم .

نایب رئیس - رأی می گیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که کافی می دانند قیام فرمایند .

(اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد . اگر اجازه می فرمائید چند دقیقه تنفس داده شود .

جمعی از نمایندگان - رأی بگیرد برای شور در مواد

نایب رئیس - رأی می گیریم برای شور در مواد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند .

(اکثر برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد . چند دقیقه تنفس داده میشود (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و با فاصله دو ساعت مجدداً تشکیل شد)

وزیر مالیه - لزوم از دیاد عایدات دولتی را آقایان محترم مستحضرنه و ضرورت و فوریت آنرا هم البته تصدیق خواهند فرمود .

برای از دیاد عایدات دولتی هم البته وسیله مهمی که داریم وضع مالیات جدید یا اصلاح مالیاتهای قدیم است و وزارت مالیه و هیئت دولت هم در این هر دو زمینه مشغول مطالعات هستند و مسلم است که اصلاح مالیاتهای قدیم ترجیح دارد بر وضع مالیات جدید .

بنابراین یکی از مالیاتهای قدیمی که همین مجلس شورای ملی در دوره های سابق وضع کرده و امروز هم معمول است وزارت مالیه در صدد بر آمده است که آنرا اصلاح کند که هم برای مردم و هم برای دولت بهتر باشد .

و آن اصلاح مالیات دخانیات است که این لایحه برای آن تهیه شده و امروز از طرف دولت تقدیم مجلس شورای ملی میکنم .

و نظر باینکه يك مالیات جدیدی نیست و لایحه مختصری است و مطالعه زیاد لازم

ندارد .

تقاضا دارم اولاً تصویب بفرمائید فوریت آنرا یعنی يك شور بشود تا بنیاً در همین جلسه تصویب شود و علاوه بر اینکه مسئله از دیاد عایدات ضروری و فوری است

یکی از علل فوریت آن این است که کمک خواهد کرد که مازودتر بودجه سال آتی را بتوانیم بمجلس تقدیم نمائیم و البته آقایان هم تصویب خواهند فرمود . (لایحه مزبور بشرح ذیل قرائت شد)

لایحه قانونی اصلاح قانون مالیات دخانیات مصوب ۶ میزان ۱۳۳۳ ماده اول - از کلیه اقسام و انواع توتون و تنباکو که در خاک ایران بعمل می آید و برای استعمال تهیه شده مالیات دخانیات مأخوذ میگردد

ماده دوم - مالیات دخانیات مذکوره در ماده اول از قرار منی چهارقران از تنباکو و منی يك تومان از توتون چیق و منی یازده قران از توتون سیگار اخذ خواهد شد

ماده سوم - توتون و تنباکوی ساخته یا ساخته که باید بخارجه حمل شود از مالیات دخانیات معاف است .

ماده چهارم - دولت مجاز است نسبت بدخانیاتی که از خارج بداخله مملکت وارد میشوند مالیاتی معادل تفاوت مابین حقوق گمرکی دخانیات مزبوره و مالیات داخلی اخذ نماید و یا حقوق گمرکی دخانیات وارده را مجاز است تا حد مالیات داخلی بیفزاید .

ماده پنجم - هر کس هر مقدار توتون و تنباکو بطور قاچاق یا بهر نحو دیگر آزادی از مالیات بگیرد و یا در این جنس قاچاقی ضبط و جریمه معادل دو برابر قیمت آن از قاچاق کننده اخذ خواهد شد

ماده ششم - مالیات دخانیات مذکوره در این قانون مستقیماً از ازارع اخذ نخواهد شد .

ماده هفتم - مقررات این قانون بکلیه توتون و تنباکوئی که حالیه در مملکت موجود است تعلق خواهند گرفت مشروط بر آنکه مالیاتی از آن اخذ نشده باشد

ماده هشتم - وزارت مالیه بعد از تصویب این قانون نظامنامه برای آن تدوین و مقررات آنرا بموقع اجرا خواهد گذاشت و قانون ششم - میزان ۱۳۳۴ فلسفی خواهد بود .

نایب رئیس - چون از طرف آقای وزیر مالیه تقاضای فوریت شده بود رأی بفوریت مذاکره میشود

آقا شیخ جلال - بنده با فوریتش مخالفم

نایب رئیس - بفرمائید

آقا شیخ جلال - البته نظامنامه مجلس شورای ملی را ملاحظه فرموده اند و مطابق

این نظامنامه قوانینی که از مجلس میگذرد باید دو شور در آنها بشود مگر در مواردی که موجباتی برای فوریت پیدا شود و آنهم يك فوریتش این است که فقط بکشور در مجلس بشود

یعنی برود بکمیسیون مربوطه و بعد بر گردد بمجلس و مجلس رأی بدهد فوریت دوم این است که هیچ در کمیسیون نرود بنابراین با اصطلاح ماو مطابق نظامنامه اصل کلی این است که در تمام لایحه ای که از طرف دولت یا نمایندگان تقدیم مجلس شورای ملی میشود

باید دو شور بشود مگر در صورتیکه حقیقه موجباتی از برای نسخ این قاعده کلی در بین باشد .

خوب . حالا حساب میکنیم آنچه بنده شنیدم این لایحه اتفاقاً متضمن يك مقدمانی نیست که ایجاب کند فوریت را در صورتیکه لایحه قانونی آن لایحه است که در مقدمه اش مطالبی باشد که ایجاب کند فوریت آن را و اتفاقاً نطق آقای وزیر مالیه راجع بفوریتش این بود که نظر باینکه این اصلاح قانون قدیم است و نظر باینکه این اصلاح چندین محتاج بمطالعه نیست از این جهت باید بفوریت بندو معنی باید در مجلس مذاکره شود .

اولاً اصلاح یعنی چه ؟ یعنی صد سیصد تبدیل کردن ؟؟

نایب رئیس - آقا راجع بفوریت حرف بزنید .

آقا شیخ جلال - راجع بفوریت عرض میکنم . این لایحه متضمن دو مطلب است یکی الغاء قانون قدیم یکی وضع مالیات جدید که صد سیصد از مردم مالیات بگیرند و بدیهی است که آقایان تصدیق میفرمایند اصلاح باین معنی الغاء مالیاتی که دو سه سال از عمرش بیشتر نگذشته است و موجباتی برای بطلانش بدست نیامده است و این قضیه هم نادر چرا باید معنی و در نطق فصحا و مجلس هیچ سابقه ندارد يك جهتی ندارد که درش يك شور بشود قسمت دوم وضع مالیات آنهم در صورتیکه هیچ نفعی بحال این مردم ندارد .

بلکه يك زحمت و ضرر هائی هم دارد که بنده در موقع اصل قضیه عرض خواهم کرد که يك قسمت ضررهای اقتصادی مملکتی دارد پس چه عیبی دارد که این لایحه مطابق ترتیب عادتش برود بکمیسیون قوانین مالیه پس از آنکه در اطرافش شور شد با کسب نظریات متخصصین دوباره بیاید بمجلس و مذاکره شود

نایب رئیس - آقای سر کشیک زاده (اجازه)

سر کشیک زاده - بنده توجه نماینده محترم را بماده هفتاد و چهار نظامنامه داخلی جلب میکنم در این ماده مینویسد در موقعی که لایحه یا طرح قانونی

پیشنهاد میشود وزراء یا صاحب طرح یا یکی از نمایندگان میتواند از مجلس فوریت آنرا تقاضا نماید .

البته تصدیق میفرمائید که در اینجا نوشته نشده است يك لایحه که مربوط بمالیات یا غیر مالیات است و بطور کلی هر طرحی را میتوانند تقاضای فوریت بکنند .

اما اینکه میفرمائید آقای وزیر مالیه يك دلیل کافی نفرمودند . هیچ دلیلی بهتر از این نیست که ما وارد سال جدید میشویم و مجلس و دولت محتاج بيك اصلاحاتی هستند که آن اصلاحات هم محتاج بوضع این قبیل **اوايح است**

بعضی از نمایندگان - رأی بگیرد **نایب رئیس** - شاهزاده نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - بنده راجع بدستور عرضی دارم . اجازه میفرمائید **نایب رئیس** - تأمل بفرمائید تا عده کافی شود . عده برای رأی کافی نیست . **نصرت الدوله** - راجع بهمین مسئله عرضی دارم **نایب رئیس** - بفرمائید

نصرت الدوله - چون بطوریکه آقای **نایب رئیس** فرمودند عده برای اخذ رأی کافی نیست و از طرفی یکساعت و چیزی از ظهر گذشته و آقایان هم فطنت کرده اند و رفته اند از این جهت بنده خواستم تقاضا کنم که جلسه را ختم کنیم مجدداً برای امروز عصر یا فردا صبح تشکیل شود

نایب رئیس - چون قبلاً بعضی ها اجازه خواسته اند و عده هم برای رأی کافی نیست اگر اجازه بفرمائید جلسه را ختم میکنم . جلسه آتیه یا عصر یا فردا صبح .

زهیم - بنده مخالفم . **نایب رئیس** - بفرمائید

زهیم - بنده مخالفم با اینکه جلسه امروز عصر یا فردا صبح تشکیل شود و معتمدی که بحالت هادی خودش باشد .

نایب رئیس - آقای رهنما (اجازه)

رهنما - این مسئله يك مسئله مهمی است که اگر مهم نبود فوریت آن را تقاضا نمیکردند این مسئله بحساس ترین شعب کار این مملکت که مسئله مالی باشد مربوط است و مجلس در این قبیل مواقع نمیتواند بگذارد که دو جلسه و سه جلسه عقب بیفتد و نسبت بيك دولتی که رأی اعتماد باور داده ایم همچو مسئله مهمی که از نظر ضرورت و احتیاج فوریت آنرا ایجاب کرده باید امروز در مجلس مطرح شود و اگر این مسئله امروز حل نشود تاخیر بیفتد کی میدانده مفاسدی از نقطه نظر مالی پیدا میشود و مسائل مالی يك چیزی نیست بنابراین بنده تقاضا میکنم امروز

هر جلسه تشکیل شود که سکت در امور عالی وارد نشود

نایب رئیس - عده برای رأی کافی نیست بعد باید اطلاع داد (مجلس يك ساعت و نیم بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی **موتمن الملک** **منشی** **علی اقبال الممالک** **منشی** **معظم السلطان**

جلسه ۱۴۴

صورت مشروح مجلس عصر يوم سه شنبه بیست و هفتم برج حوت ۱۳۰۳ مطابق بیست و یکم شعبان المعظم

مجلس نیم ساعت قبل از فریب بریاست آقای سهام السلطان **نایب رئیس** تشکیل گردید

نایب رئیس - چون صورت جلسه صبح حاضر نشده در جلسه بعد قرائت خواهد شد

راجع بلایحه دخانیات که صبح مطرح مذاکره بود راجع بفوریت مذاکرات کافی شد و چون عده برای رأی کافی نبود رأی گرفته نشد

حالا رأی گرفته میشود بفوریت لایحه آقایانی که با فوریت لایحه موافقت قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد . **نصرت الدوله** - یکرای دیگر بگیرد برای فوریت ثانی

نایب رئیس - چون تقاضای فوریت ثانی شده که لایحه در مجلس مطرح مذاکره شود لهذا راجع بفوریت ثانی مذاکره میشود

بعضی از نمایندگان - رأی بگیرد **نایب رئیس** - رأی می گیریم بفوریت ثانی که در مجلس مطرح شود .

آقایانی که موافقت قیام فرمایند (جمع کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد . **شوردر کلیات است** . آقای حائری زاده مخالفید ؟

حائری زاده - بلی **نایب رئیس** - بفرمائید

حائری زاده - اگر بفوریت این لایحه رأی داده نشده بود ممکن بود بنده بواسطه مذاکراتی که در خارج می کردم يك اصلاحاتی کافی پیدا کنم و رفع پریشانی هر اسام بشود و مغالفت نکنم ولی بدبختانه رأی بفوریت داده شد که فی المجلس قبل از آنکه طبع و توزیع شود مطرح شود و ما نتوانستیم در اطراف آن مذاکرات و مشاوراتی بکنیم . بعضی از مالیاتها هست که اولاً